

1 شوهرهایی که تعصب بی جا را با غیرت اشتباه گرفته اند.

خانمش را چون یکی شی می پندارد. به نام دوستی و عشق، او را با توهّمات خود زندانی کرده و قوانین ممنوعیت را برای همسر خود وضع می کند. مثلاً: جواب دادن به تلفن ممنوع؛ رفتن به خانه پدر و مادر ممنوع؛ سرزدن به دوستان ممنوع؛ درس خواندن و دانشگاه رفتن ممنوع؛ داشتن شغل ممنوع؛ اردو و مسافرت ممنوع؛ استفاده از رایانه و اینترنت ممنوع؛ خندیدن با صدای بلند در محیط خانواده و محارم ممنوع؛ تعریف و توضیح در مورد آقایان ممنوع؛ رفتن کنار پنجره ممنوع؛ نامه نوشتن ممنوع؛ بیرون رفتن از منزل ممنوع .

2 شوهرهای سلطه جو، زورگو و کنترل کننده؟!

چنین شوهرانی حق انتخاب را به کلی از همسرشان می گیرند و این حق انتخاب را فقط برای خود به رسمیت می شناسند. از تصمیم های مهم و کلی تا جزئی ترین مسائل باید زیر نظر آنها و به فرمان آنها باشد. به عنوان مثال بعضی از اعمال و مستبدانه این آقایان عبارتست از: تصمیم در انتخاب محل زندگی به تنهایی؛ تصمیم گیری در مورد فرزند داشتن؛ تصمیم در مورد رفت و آمد و میهمانی رفتن، تصمیم در ارتباط یا قطع رابطه با بعضی از فامیل یا دوستان از روی دل خودشون؛ تصمیم گیری در مورد شغل خانم، تصمیم گیری در مورد رشته تحصیلی و محل تحصیل همسرشان بدون توجه به نظر او؛ انتخاب رنگ پرده ؛ انتخاب نوع مبل؛ انتخاب رنگ و نوع فرش؛ انتخاب ظروف و لوازم منزل، در اختیار گرفتن و به نام زدن سند شش

دانگ ریموت تلویزیون و ویدئو، انتخاب و تماشای برنامه های دلپسند خود از تلویزیون بدون توجه به خانواده و همسرشان؛ انتخاب نوع و رنگ لباس داخل منزل خانمشان؛ دستور به خانمشان در مورد چگونه فکر کردن، چگونه حرف زدن، چگونه احساس کردن و چگونه رفتار کردن. (خانواده سخت گیر در تربیت)

3 شوهران بی مسئولیت؟!

این شوهران فراموش کرده اند که مراحل نوزادی، نوباوگی، کودکی و نوجوانی را پشت سر گذاشته و فرد بالغی شده اند و ازدواج کرده اند. خانواده تشکیل داده اند و صاحب فرزند شده اند. لذا در تصمیم گیری ، اجرا، و پاسخگویی نسبت به وظایف و مسئولیت های منزل خود را عقب کشیده اند و چون حبابی خود را رها کرده اند. هنوز در پی لذت طلبی انفرادی خود هستند. اینها برنامه ها و دل مشغولی های خود را بدون توجه به خانواده و همسرشان دنبال می کنند. بدون توجه به به مسئولیت هایی که باید بپذیرند و نیازهایی که خانواده به آنها دارد، به دنبال پارتی ها، تفریحات، مسافرتها، کوهنوردی، فوتبال، استراحت، خواب، تلویزیون و فیلم و سینما، موسیقی و دوستان و کارهای انفرادی مربوط به خود هستند.. آنها همیشه چون میهمانی بر سر سفره آمده منزلشان اگر وقت کنند حضور می یابند و رنجهایشان را به خانواده می ریزند و لذتهایشان را بیرون از خانواده تقسیم می کنند. این افراد گاهی تصور می کنند با دادن پول زیاد به خانواده می توانند، آنها را رها کنند. با یک پلی استشن ، با یک رایانه و اینترنت و ... سعی می کنند همسر و فرزندان خود را به خودشان وابگذارند. و

نسبت به مسئولیت در قبال همسر و تربیت فرزندان شانه خالی می کنند. (خانواده سهل گیر در تربیت)

4 شوهران بی احساس و سخت کوش:

برای این شوهران زندگی یعنی کار، کار یعنی زندگی و اینها همه یعنی پول. این شوهران خلاء وجودی خود را فقط با پول و کار پر می کنند. به بهانه های مختلف مثل داشتن اقساط، تعویض منزل یا خودرو، فراهم آوردن رفاه، تامین آینده زندگی، مسئولیت کاری، و ... اکثر اوقات خود را از صبح تا آخر شب و حتی تعطیلات، به دنبال کار و اضافه کاری و تجارت و مدیریت و ... هستند. گاهی بهانه های انسان دوستانه و خدمت به خلق را پیش می کشند و گاهی تعهدات کاری را دستاویز قرار می دهند. اینها از منزل، همسر و فرزندان خود، ابتدا به صورت فیزیکی دور می شوند و کم کم از نظر احساسی و عاطفی و ذهنی فاصله می گیرند. این آقایان به همه مردم خدمت می رسانند و با آنها هستند به غیر از همسر و خانواده. مردان دیگری را نیز می توان در این طبقه قرار داد. آنهایی که شاید این همه مشغله نداشته یا از محیط خانواده دور نیستند، ولی از نظر عاطفی، احساسی و ذهنی فاصله زیادی از جو خانواده پیدا کرده اند. آنها هم احساسی، همدلی، همدردی با همسر را نیاموخته اند. حرف زدن برای آنها سخت تر از بلند کردن خودرو توسط قویترین مردان است. برای پاسخ یک کلمه ای به یک سؤال، خانمشان باید کلی به به آنها التماس کند، وقتی آنها یک جمله 3 کلمه ای به زبان می آورند، همسر آنها، به شدت ذوق زده شده و آن روز را همه سال جشن

می گیرند و سالگرد زبان گشایی آقا را غنیمت می شمارند. اگر خانمشان با آنها صحت کند، در حال دیدن تلویزیون هستند، یا در حال تعمیر وسایل منزل می باشند، و حتی زحمت تغییر جهت نگاهشان را به طرف خانمشان ، نمی کشند. گوش شنیدن ندارند، و این کار هم برای آنها مثل شکافتن اتم و آزاد سازی انرژی هسته ای هست. ولی متأسفانه این انرژی آزاد کردن را حق خود نمی دانند تا این اتم را بشکافند و گوش شنوا برای حرفها و احساسات خانمشان داشته باشند.

این مردان مهارت های گوش دادن، مهارت های ارتباطی، مهارت های هم حسی یاد نگرفته اند یا تمرین نکرده اند و یا انگیزه ای برای انجامش ندارند.

برای این آقایان، سخن محبت آمیز و عاشقانه، نوازش محبوبانه و نگاه دلبرانه به خانمشان، افسانه ای خیالی و بی فایده است. همسر این آقایان با حسرت به زوجهایی که در پارکی نشسته اند و در گوش هم نجوا می کنند می نگرند.

یک تلفن از محل کار به خانم، یک دسته گل، یک نامه عاشقانه ، یک نوازش ، و یک همدلی و هم حسی به گاه نگرانی و بیماری؛ از آرزوهای هرگز برآورده نشده ، خانم این دسته از آقایان است.

5 شوهران وابسته و غیر مستقل؟!

این آقایان به علت اینکه از بچگی تحت چتر حمایتی شدید پدر و مادر خود قرار داشته اند و همیشه والدینشان برای آنها تصمیم گرفته اند، وابسته ، ترسو و دمدمی مزاج و بچه صفت تربیت شده اند. آنها

همین طور که بزرگ شده اند به جای اینکه روز به روز مستقل تر شوند، روز به روز وابسته تر شده اند. هنگام ازدواج نیز نمی خواهند در این وضعیت تغییری ایجاد کنند. هنوز هم دستورات و تصمیم گیری های مهم زندگی زناشویی را از والدین خود اخذ می کنند. معمولاً پدر و مادر این آقایان سخت گیر و مقرراتی هستند و شاید کمک مالی زیادی هم به زندگی اینها کرده باشند. مرزهای خانواده توسط این شوهران گسسته شده و مسائل محرمانه و خصوصی خانواده به راحتی به بیرون از خانواده منتقل می شود و افراد دیگر هم به خود اجازه می دهند در مسائل خانوادگی اینگونه شوهران دخالت کنند.

6 شوهران کمالگرا و خسیس:

این آقایان شخصیت وسواسی دارند. معیارهای نانوشته ای در ذهن خود ترسیم می کنند و آن را وحی منزل و تخلف ناپذیر تصور می کنند. به جزئیات زندگی زیاد کار دارند و گیر می دهند. برای هر چیز کوچکی در خانواده نظر می دهند. همیشه ترس از آینده دارند، اعتماد به نفس پائین، و ایده آلی خواهی از مشخصات دیگر اینهاست. با خسیس بودن و پس انداز افراطی سعی در آرامش خاطر خود دارند. همواره امروز را فدای فردا می کنند. و فردای آنها که باعث نگرانشان بود، هرگز نمی آید. حسرت تفریح، مسافرت، لباس نو، میهمانی را به سادگی و با بهانه های مختلف، بر دل زن و بچه خود می گذارند. توقع زیادی از همسرشان دارند، انتظار بی عیب و نقص بودن خانم خود را داشته و نقاط مثبت همسرشان را نمی بینند.